

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل			
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیه

حدیثی درباره‌ی نماز اوّلین یک‌شنبه‌ی ماه ذی‌القعدة

ماه ذی‌القعدة مراقبات عبادی فوق‌العاده‌ای دارد. یکی از این مراقبات فوق‌العاده، به‌طور خاص مربوط است به اوّلین یک‌شنبه‌ی ماه ذی‌القعدة و به‌تعبیر دیگر، همه‌ی یک‌شنبه‌های این ماه و به یک تعبیر، مربوط است به همه‌ی سی‌صدوشصت‌وپنج روز سال و آن نماز توبه و ادب توبه است که در کتاب شراب‌طهور در مبحث توبه، نقل کرده‌ام^۱. برای توبه‌ی اساسی و بنیادینی که مبدأ یک تحول عظیم در زندگی سالک‌الی‌الله است، بزرگان سیر و سلوک دستور همین نماز و توبه را می‌دهند. تا کنون پیش نیامده بود که روایتش را در جلسه بخوانم؛ لذا امروز آن را می‌خوانم تا متن روایت را هم شنیده باشید. بسیار فوق‌العاده است! مصداق این نکته را که گفته‌ایم در ماه حرام همه‌چیز زیر ذرّه‌بین می‌رود و مضاعف می‌شود، در این روایت خواهید دید. همان روزهای پنج‌شنبه، جمعه و شنبه که معادل نه‌صد سال روزه است، چقدر بزرگ‌نمایی است؟! هر سال، سی‌صدوشصت‌وپنج روز است. نه‌صدتا سی‌صدوشصت‌وپنج روز کجا و سه روز روزه گرفتن کجا؟! حال، بزرگ‌نمایی ماه ذی‌القعدة چقدر است؟! حدیث را اقبال‌الاعمال سیّدبن‌طاووس رحمت‌الله و رضوان‌الله تعالی علیه نقل کرده و مستدرک‌الوسائل هم از همین اقبال نقل کرده است: «عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ: خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَوْمَ الْأَحَدِ فِي شَهْرِ ذِي الْقَعْدَةِ»: انس‌بن‌مالک می‌گوید: پیغمبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در روز یک‌شنبه‌ی ماه ذی‌القعدة بیرون آمدند؛ آمدند بین مردم؛ لذا در این روایت، بر اینکه ماجرا مربوط به اوّلین یک‌شنبه‌ی ماه

^۱ مهدی‌طیب، شراب‌طهور، صص ۶۹-۷۸.

ذی‌القعدة بوده، تصریح نشده است. در نتیجه، از همین عبارت می‌توانیم استفاده کنیم که این عمل عبادی به همه‌ی یک‌شنبه‌های ماه ذی‌القعدة قابل تعمیم است و مختصّ یک‌شنبه‌ی اوّل نیست؛ البته، انجام آن در یک‌شنبه‌ی اوّل نشان‌دهنده‌ی اشتیاق است. فرض کنید شما را به این جلسه دعوت می‌کنند؛ کسی که خیلی مشتاق است از همان دقیقه‌ی اوّل، آمده و در جلسه نشسته است. کسی که قدری کمتر مشتاق است، می‌گوید زیارت عاشورا را هم نرفتیم، نرفتیم؛ طوری می‌رویم که اوّل صحبت‌های طیب برسیم. کسی که اشتیاقش از نفر دوم هم کمتر است، می‌گوید: اگر واسط صحبت‌های طیب هم رسیدیم، بد نیست. دیگری که اشتیاقش از این هم کمتر است، می‌گوید: ان‌شاءالله می‌رسیم به مدّاحی آقای بشیری و یکی هم می‌گوید: نه؛ به همان پذیرایی آخر هم برسیم، ثواب مجلس را برده‌ایم. لذا اشتیاق اقتضا می‌کند که در همان اوّلین یک‌شنبه موفق به انجام این عمل شویم؛ ولی به هر حال، اگر کسی در اوّلین یک‌شنبه انجام نداد؛ موفق نشد یا عذری داشت؛ مثلاً در شرایطی بود که نمی‌توانست نماز بخواند، یک‌شنبه‌های دیگر ماه ذی‌القعدة در اختیارش است؛ و بنابر جمله‌ای که در آخر حدیث است، می‌بینیم که همه‌ی روزهای سال را دربر می‌گیرد. پس پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در روز یکشنبه بیرون آمدند، آمدند بین مردم.

«فَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ»: حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: ای مردم! باز خوب دقت کنید. خطاب یا ایها المؤمنون نیست؛ یا ایها المسلمون نیست؛ یا ایها النَّاس است؛ یعنی هیچ‌کس خود را محروم نداند؛ نگوید بله، درست است؛ این عمل یک چنین آثار بزرگی دارد؛ ولی آن را اگر اولیاء خدا انجام دهند، چنین بهره‌ای می‌برند. ما که جزء اولیاء خدا نیستیم؛ پس آن بهره را هم نمی‌بریم. نه؛ حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «یا ایها الناس»: ای همه‌ی مردم! «مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُرِيدُ التَّوْبَةَ؟»: از میان شما، چه کسی دلش می‌خواهد توبه کند؟ انس بن مالک می‌گوید: «قُلْنَا كُلُّنَا نُرِيدُ التَّوْبَةَ يَا رَسُولَ اللَّهِ»: عرض کردیم: همه‌ی ما دلمان می‌خواهد توبه کنیم ای رسول خدا! «فَقَالَ عِ اغْتَسِلُوا وَ تَوَضَّئُوا وَ صَلُّوا أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ وَ افْرَأُوا فِي كُلِّ رَكَعَةٍ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ مَرَّةً وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ الْمُعَوِّذَتَيْنِ مَرَّةً»: حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: حال که همگی می‌خواهید توبه کنید، پس غسل کنید؛ سپس وضو بگیرید و چهار رکعت نماز بخوانید. در هر رکعت،

یکبار سوره‌ی حمد، سه‌بار سوره‌ی «قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ»، یکبار سوره‌ی «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» و یکبار سوره‌ی «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» را بخوانید. «ثُمَّ اسْتَغْفِرُوا سَبْعِينَ مَرَّةً»: وقتی که نمازتان تمام شد، هفتاد بار استغفار کنید؛ بگویید: «أَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ». در این استغفارها -بنده به این حدیث حاشیه زده و توضیحاتی را به آن اضافه می‌کنم- انسان می‌تواند اشتباهات و خطاهایی را که مرتکب شده است، مرور و یک‌به‌یک از آنها استغفار کند. خدایا! استغفار می‌کنم از گناهان ظاهریم، از گناهان باطنی؛ از گناهی که در رابطه با خلق تو انجام دادم؛ از گناهی که در خلوت و تنهایی انجام دادم؛ از گناهی که می‌دانستم که گناه است و انجام دادم؛ از گناهی که نمی‌دانستم گناه است و انجام دادم و بعداً فهمیدم که گناه است؛ از گناهی که به‌خاطر آنها استغفار و توبه کردم؛ ولی بعداً توبه‌ام را شکستم؛ از گناهی که از آنها اصلاً توبه نکردم؛ از واجباتی که ترک کردم؛ از محرماتی که مرتکب شدم؛ از مستحباتی که ترک کردم؛ از مکروهاتی که مرتکب شدم؛ از مباحاتی که لذت‌جویانه و بیش از حدّ ضرورت عمرم را با آنها تلف کردم؛ از گناهی که با زبانه کردم؛ سخنانی که گفتم و گناه بود؛ از گناهی که با کامم کردم؛ لقمه‌ها و جرعه‌هایی که خوردم و نوشیدم و گناه بود؛ از گناهی که با چشمم کردم؛ از گناهی که با شامه‌ام کردم؛ از گناهی که با لامسه‌ام کردم؛ از گناهی که با دستم کردم؛ از گناهی که با پایم کردم، استغفار می‌کنم. به‌همین ترتیب، انسان می‌تواند جلو بیاید؛ از گناهی که در رابطه با پدرم، مادرم، خواهران و برادرانم، بستگان نسبی و سببیم، اساتیدم، همشاگردی‌هایم، شاگردانم، رؤسایم، همکارانم، زیردستانم، همسایگانم، همه‌ی مؤمنین و مؤمنات، همه‌ی بشر و همه‌ی مخلوقات تو غیر از بشر، ملائکه، جن‌ها، گیاهان، حیوانات و جمادات مرتکب شدم، استغفار می‌کنم. به‌همین صورت، انسان می‌تواند گناهایش را مرور کند و از بابت هر یک از آنها یکبار «أَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ» بگوید؛ یک خانه‌تکانی کامل. ولی اینها که گفتم در این حدیث نیست؛ در حدیث فقط فرمودند: «ثُمَّ اسْتَغْفِرُوا سَبْعِينَ مَرَّةً».

«ثُمَّ اخْتُمُوا بِلَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»: سپس این هفتاد استغفارتان را ختم کنید به گفتن «لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ».

«ثُمَّ قُولُوا يَا عَزِيزُ يَا غَفَّارُ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَ ذُنُوبَ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ»:

پس از اینکه «لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» را گفتید، بگویید: «يَا عَزِيزُ يَا غَفَّارُ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَ ذُنُوبَ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ»: ای خدای عزیز و مقتدر! ای خدای غفار و بخشنده! گناهان من و گناهان همه‌ی مردان و زنان مؤمن را ببخش و بیامرز؛ چراکه جز تو کسی بخشنده‌ی گناه نیست و گناه را نمی‌بخشد.

دستور این نماز همین است؛ البته، همان‌طور که سال‌های قبل خدمتتان عرض کردم، این دستورالعمل به دو طریق تعبیر شده است؛ گروهی به حساب اینکه نمازهای مستحبی عمدتاً دورکعتی است، گفته‌اند مقصود از این چهار رکعت، دو نماز دورکعتی پی‌درپی است؛ پی‌درپی؛ یعنی در بین دو نماز، رو از قبله برنمی‌گردانید؛ حرفی نمی‌زنید؛ چیزی که مانع و مزاحم نماز باشد، انجام نمی‌دهید. این یک طریق انجام این نماز است؛ بعضی دیگر گفته‌اند: چون در این حدیث، ذکر نشده که این چهار رکعت را با دو تشهد و دو سلام بخوانید، مقصود این است که این چهار رکعت پی‌درپی است؛ یعنی یک نماز چهاررکعتی است که هر رکعتش حمد و سه «قُلْ هُوَ اللَّهُ»، یک «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» و یک «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» دارد و جز در رکعت آخر که می‌خواهید سلام بدهید، تشهد دیگری ندارد. هر دو احتمال وجود دارد؛ لذا وقتی من آثار این نماز را از روی روایت بخوانم، می‌بینید که چه خوب است که انسان این نماز را به هر دو شکلش انجام بدهد! چه ضرری دارد؟ تا هر کدام از این دو شکل، مصداق این روایت است، انسان انجام داده و در نتیجه به نتایج وعده داده‌شده در روایت رسیده باشد. در ادامه‌ی حدیث، حضرت به بیان آثار و نتایج این نماز پرداخته‌اند.

«ثُمَّ قَالَ ع مَا مِنْ عَبْدٍ مِنْ أُمَّتِي فَعَلَّ هَذَا إِلَّا نُودِيَ مِنَ السَّمَاءِ يَا عَبْدَ اللَّهِ اسْتَأْنِفِ الْعَمَلَ فَإِنَّكَ مَقْبُولُ التَّوْبَةِ مَغْفُورُ الذَّنْبِ»: سپس پیغمبر اکرم ﷺ فرمود: هیچ بنده‌ای از امت من، یعنی هیچ مسلمانی نیست که این عمل را به‌جا بیاورد مگر اینکه از آسمان خطاب به او ندا داده می‌شود که: ای بنده‌ی خدا! ای عبد خدا! اعمالت را دوباره از سر بگیر؛ چراکه توبهات پذیرفته و گناهانت بخشیده شده است. تمام سیاهی‌هایی که در کارنامه‌ی عمل تو بود، همه پاک شد. از اول شروع کن؛ مثل بچه‌ای که تازه از مادر

متولد شده و هیچ گناهی ندارد و معصوم است. دوباره شروع کن و از این به بعد عمل خوب انجام بده. این نتیجه‌ی اوّل.

«و يُنَادِي مَلَكًا مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ أَيُّهَا الْعَبْدُ بُرُوكَ عَلَيْكَ وَ عَلَى أَهْلِكَ وَ ذُرِّيَّتِكَ»: ملکی هم از زیر عرش ندا می‌دهد که ای بنده! ای عبد! این توفیقی که نصیب تو شد، مبارک باد بر تو، بر خاندان تو و بر نسل و ذریه‌ی تو! برکت الهی بر تو باد به اعتبار این عملی که انجام دادی! این هم نتیجه‌ی دوم.

«و يُنَادِي مُنَادٍ آخَرَ أَيُّهَا الْعَبْدُ تَرْضَى خُصْمَاؤَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»: منادی دیگری از جانب حق متعال ندا می‌دهد که ای عبد! اوّل، تعبیر «أَيُّهَا الْعَبْدُ» مهم است؛ یعنی او را به عبودیت پذیرفته‌اند؛ چون انسان یکوقت عابد است؛ یکوقت عبد است؛ فرق است بین عابد و عبد. عابد فعل عبادت را انجام می‌دهد؛ اما هنوز روحیه و سجایای عبودیت در او شکل نگرفته است؛ نماز می‌خواند؛ روزه می‌گیرد؛ حج به‌جا می‌آورد؛ خمس و زکات می‌دهد؛ وظایف عبادت را انجام می‌دهد؛ اما هنوز عبد نیست؛ او الان تازه عابد شده است. عبد مقامش بالاتر است. (در کتاب شراب طهور، در مبحث عبادت این نکته را توضیح داده‌ام.^۲)

عابد اگر عبادتش را ترک کند، دیگر عابد نیست؛ اما عبد چطور؟ فرض کنیم در زمان قدیم که غلام زرخرید رایج بود، کسی پول داده و یک غلام خریده است. این فرد شده است عبد آن شخص. حال، این عبد اگر دستور مولایش را انجام بدهد، عبد است و اگر دستور مولایش را انجام ندهد، باز هم عبد است. این فرد هرگز از عبد بودن خارج نمی‌شود و همواره عبد است. این نکته‌ی ظریفی است. عابد به‌محض اینکه دست از عبادت بکشد، دیگر عابد نیست، اما عبد اگر عبادت بکند عبد است؛ اگر عبادت نکند باز هم عبد است. این شخص خودش عبد شده است؛ مثل بحث عمل صالح. یکوقت می‌گوییم کسی عامل به عمل صالح است «الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»^۳؛ اما یکوقت درباره‌ی کسی می‌گوییم:

^۲ مهدی طیب، شراب طهور، ص ۲۶۳.

^۳ سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۵.

«مِنَ الصَّالِحِينَ»؛^۴ او عبد صالح شده است؛ او خودش صالح است. انسان یک‌وقت عمل صالح انجام می‌دهد؛ یک‌وقت خودش صالح است؛ یک‌وقت عمل عابدانه انجام می‌دهد یک‌وقت خودش عبد است. عبد بالاتر از عابد است؛ عبد بودن مقام بزرگ و بلندی است. ببینید در این عبارات حدیث، همه‌ی خطاب‌ها چیست؟ یا عبدالله؛ یا ایها العبد؛ همه تعبیر به عبد شد؛ یعنی با این عملی که انجام داد، خدا او را خرید و شد عبد خدا؛ وارد جرگه‌ی عبدها شد؛ از عابدها گذشت؛ فراتر رفت؛ خودش عبد شد. حال، ادامه‌ی فراز را بخوانیم:

«وَ يُنَادِي مُنَادٍ آخَرَ أَيُّهَا الْعَبْدُ تَرْضَى خُصْمَاؤَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»: منادی دیگری از جانب حضرت حق ندا می‌دهد که ای عبد! همه‌ی خصمای تو، همه‌ی کسانی که قرار بود در روز قیامت با تو مخاصمه کنند؛ حقی از تو طلب داشتند و تو به آنها بدهی داشتی، چه بدهی مالی، چه بدهی اخلاقی و چه هر نوع بدهی دیگری؛ همه‌ی کسانی که قرار بود فردای قیامت در دادگاه عدل الهی از تو شکایت کنند، همه‌ی آنها از تو راضی شدند؛ همه را خدا از تو راضی کرد. این هم نتیجه‌ی سوم.

«وَ يُنَادِي مَلَكٌ آخَرَ أَيُّهَا الْعَبْدُ تَمُوتُ عَلَى الْإِيمَانِ وَ لَا أَسْلَبُ مِنْكَ الدِّينَ وَ يُفْسَخُ فِي قَبْرِكَ وَ يُنَوَّرُ فِيهِ»: منادی دیگری از جانب خدای متعال ندا می‌دهد که ای عبد! تو با ایمان خواهی مُرد و دینت در لحظه‌ی جان دادن از تو سلب نمی‌شود. لحظه‌ی جان دادن لحظه‌ی خطرناکی است. ممکن است بعضی یک عمر هم مومن بوده باشند؛ اما در لحظه‌ی جان دادن از دین و ایمان عدول کنند. دعای عدیله که در مفاتیح هست را برای کسی که می‌خواهد از دنیا برود، می‌خوانند که نکند از اعتقاداتش عدول کند و برگردد؛ چون آن لحظه لحظه‌ی بسیار خطرناکی است، شیطان به سراغ انسان می‌آید و کاری می‌کند که ایمان او سلب شود. مگر اینکه ایمان به عمق وجود انسان نفوذ کرده باشد؛ والا خیلی خطرناک است. نمی‌خواهم الآن این بحث را باز کنم. اگر زمانی خدا توفیق داد، خواهم گفت که در آن لحظه چه اتفاق هولناکی ممکن است بیفتد و انسان بعد از یک عمر نماز خواندن و روزه گرفتن و

^۴. سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۸۵.

عبادت کردن، به دلیل اینکه هنوز محبت دنیا در دلش است، ممکن است ایمانش را ببازد؛ شیطان ایمانش را برباید و کافر از دنیا برود. این منادی دیگر، این ملکی که ندا می‌دهد، می‌گوید: ای بنده! خیالت راحت باشد؛ تو با ایمان خواهی مُرد و دینت از تو سلب نخواهد شد؛ و قبر تو هم وسیع خواهد شد؛ فشار و تنگی قبر نخواهی داشت. قبر فیزیکی همین محیطی است که در خاک می‌کنند؛ اما قبر برزخی که در واقع محلّ زندگی برزخی ماست، برزخ این قبر فیزیکی است. قبر فیزیکی در واقع دنیاست و برزخ این قبر فیزیکی، محلّ اقامت برزخی ماست. این منادی خطاب به کسی که این نماز را خوانده است، می‌گوید که قبر برزخی او خیلی وسیع می‌شود «و يُنَوَّرُ فِيهِ»: و داخل آن، منور می‌گردد؛ چون تاریکی قبر یکی از هولناک‌ترین شرایط سخت عالم برزخ است. پس این هم ثمره‌ی دیگر این نماز.

«و يُنَادِي مُنَادٍ آخَرَ أَيُّهَا الْعَبْدُ يَرْضَى أَبَوَاكَ وَ إِنْ كَانَا سَاخِطَيْنِ وَ غُفِرَ لِأَبْوَيْكَ ذَلِكَ وَ لِدُرَّتِكَ وَ أَنْتَ فِي سَعَةٍ مِنَ الرَّزْقِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ»: باز پیغمبر اکرم ﷺ فرمود: یک منادی دیگر، یک ملک دیگر ندا می‌دهد که ای عبد! پدر و مادرت از تو راضی شدند؛ ولو قبل از این نماز، از تو غضبناک و ساخط بودند؛ و پدر و مادرت، خودت، نسل، ذریه و فرزندان همه بخشیده شدید و روزیت هم در دنیا و هم در آخرت وسیع خواهد بود.

«و يُنَادِي جِبْرِيْلُ عَ أَنَا الَّذِي آتَيْتُكَ مَعَ مَلَكِ الْمَوْتِ عَ أَنْ يَرْفُقَ بِكَ وَ لَا يَخْدِشَكَ أَثَرُ الْمَوْتِ إِنَّمَا تَخْرُجُ الرُّوحُ مِنْ جَسَدِكَ سَلَامًا [سَلَامًا]». و ندای آخر: بعد از اینکه همه‌ی آن ملک‌ها ندا دادند، جبرئیل ندا می‌دهد و می‌گوید: من آن کسی هستم که همراه عزرائیل، ملک موت خواهم آمد و به او سفارش می‌کنم که به آرامی، رفق و مدارا تو را قبض روح کند؛ با تو مدارا کند. خیالت راحت باشد که در اثر موت، مرگ و جان دادن، هیچ خدش‌های بر تو وارد نمی‌شود؛ هیچ ناراحتی‌یی نخواهی دید؛ و روح تو از پیکر و جسمت با لطافت، نرمی و مدارا جدا خواهد شد. می‌دانید که لحظه‌ی جان دادن چه لحظه‌ی سختی است! پناه می‌بریم به خدا! لحظه‌ای که روح می‌خواهد از بدن جدا شود؛ چقدر دشوار است! ولی جبرئیل این تضمین را می‌دهد و می‌گوید: وقتی که عزرائیل می‌خواهد بیاید و جان تو را بگیرد، من

همراه او می‌آیم و به او می‌گویم که با رفق و مدارا با تو رفتار کند؛ و در نتیجه خیالت راحت باشد؛ هیچ دردی، هیچ رنجی و هیچ ناراحتی‌یی از جان دادن متحمل نخواهی شد و روح به راحتی و نرمی از پیکرت جدا خواهد شد.

انصافاً انسان از کجا عملی پیدا کند که این همه خاصیت و اثر داشته باشد؟ امیدواریم جزء کسانی نباشیم که حاشیه می‌زنند! نگوییم بله؛ ولی شرط دارد. خیر؛ پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این روایت، هیچ شرطی بیان نکردند. پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بیش از ما به قوانین و امور عالم آگاهند. بعضی از ما، یعنی فضلا ولی به قول من، فضول‌ها در حرف خدا و پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فضولی می‌کنیم؛ شرط می‌گذاریم؛ درحالی‌که اگر شرط داشت، خود پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امام عَلَيْهِ السَّلَام می‌گفتند. پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند اگر کسی این نماز را بخواند، این آثار را خواهد داشت. به راستی چه آثار بزرگی! در قبال چه چیز؟ در قبال چند دقیقه چهار رکعت نماز خواندن و هفتاد بار استغفار کردن و خواندن یک دعای دو سطر.

«قُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ لَوْ أَنَّ عَبْدًا يَقُولُ فِي غَيْرِ الشَّهْرِ». ببینید اصحاب پیغمبر هم چقدر رند بوده‌اند! انس بن مالک می‌گوید: ما گفتیم ای رسول خدا! اگر بنده‌ای در غیر ماه ذی‌القعدة این عمل را انجام دهد، چطور؟ «فَقَالَ عٍ مِثْلَ مَا وَصَفْتُ» پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: عین همان آثاری که گفتم نصیب کسی می‌شود که در ماه ذی‌القعدة این عمل را انجام دهد، برای کسی هم که در سایر ماهها آن را انجام دهد، به دست می‌آید. «وَ إِنَّمَا عَلَّمَنِي جِبْرِيلُ ع هَذِهِ الْكَلِمَاتِ أَيَّامَ اللَّهِ رَبِّي [أَسْرَى بِي]»: و جبرئیل این کلمات و این عبادت و نماز را در زمانی که من به معراج برده شدم، به من آموخت. چقدر این تعبیر لطیف است؛ نفرمود وقتی که من به معراج رفتم؛ فرمود: وقتی که من به معراج برده شدم؛ یعنی فاعلیت خود را نمی‌بیند. اگر با ظرائفی که در فرمایش‌های اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام است، آشنا باشیم؛ از نکته‌های لطیفی که بیان می‌کنند، خیلی لذت می‌بریم. امیدواریم خدا توفیق دهد که موفق شویم در اولین یکشنبه‌ی ماه ذی‌القعدة این نماز را بجا بیاوریم؛ یکشنبه‌های بعدی این ماه باز هم انجامش بدهیم!

^۵ سیدبن طاووس، اقبال‌الاعمال، ج ۱، ص ۳۰۸ و محدث‌نوری، مستدرک‌الوسائل، ج ۶، ص ۳۹۶.

چه ایرادی دارد؟ آثار آن بیشتر و مضاعف می‌شود؛ تضمینی می‌شود، و هر وقت دیگر هم در طول سال اگر خدا توفیق داد، این نماز را بجا بیاوریم! نماز بسیار پرفضیلت و سازنده‌ای است.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ